

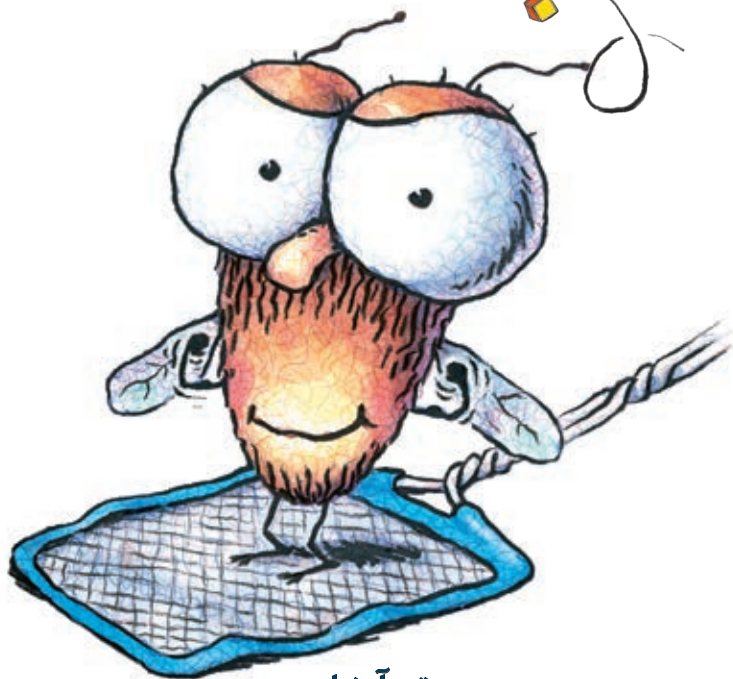
ماجراهای مگسِ ویزرز و سَرمگس ۱۰



# سَرمگس

## من رو دبه به

### جنگِ مگسِ گش!



تد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

FLY GUY #10: Fly guy vs. the flyswatter!  
Copyright © 2011 by Tedd Arnold. All rights reserved. Published by arrangement with Scholastic Inc., 557 Broadway, New York, NY 10012, USA

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



سرشناسه: آرنولد، تد، ۱۹۴۹-م.

Arnold, Tedd

عنوان و نام پدیدآور: سرمگس می‌رود به جنگ مگس کش/ نویسنده و تصویرگر تد آرنولد؛ مترجم مریم فیاضی؛ ویراستار سید نوید سیدعلی‌اکبر.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۶ص: مصور(رنگی).

فروست: ماجراهای مگسی ویزرز و سرمگس؛ ۱۰.

شابک: دوره: ۱- ۳۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۸-۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۸-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: ۲۰۱۱ © Fly guy vs. the flyswatter!

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های تخیلی

موضوع: Fantastic Fiction

موضوع: مگس‌ها — داستان

موضوع: Flies — Fiction

موضوع: داستان‌های طنزآمیز انگلیسی

موضوع: Humorous stories, English

شناسه افزوده: فیاضی، مریم، ۱۳۶۱-، مترجم

رده بندی دویی: ۱۳۹۵ س ۱۴۲۹ ۵۱۳۰

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۲۹۹۴۸

هوپا  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون  
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی  
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵  
تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵  
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir



نویسنده و تصویرگر: تد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

ویراستار: سیدنوید سیدعلی‌اکبر

مدیرهنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: مهدخت رضاخانی

ناظر چاپ: مرتضی فخری

چاپ چهارم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۱- ۳۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۸-۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۸-۰

پسری بود که توی خانه مگس نگه می داشت.  
اسمش را گذاشته بود سَرمگس.  
سَرمگس بلد بود اسم پسر را بگوید:



# فصل ۱

روزی از روزها سرمگس داشت توی  
کوله پشتی ویز صبحانه می خورد.



ویز کوله اش را برداشت و رفتش مدرسه.



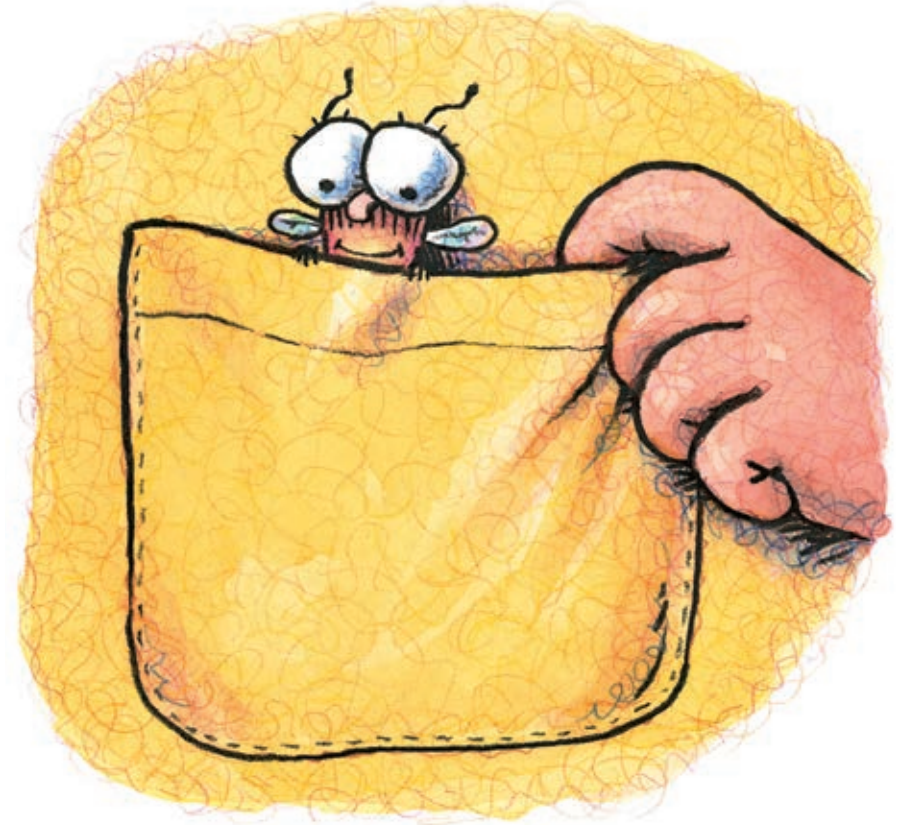
توی مدرسه، سَرمگس پرید بیرون.



بعدش معلم گفت: «می خواهیم برویم  
کارخانه، گردش علمی!»



ویز گفت: «تو توی جیبم باهام بیا، سَرمگس.»



بچه ها با اتوبوس رفتند کارخانه.

۷

۶



قصه‌هایی ماجراجویانه و خنده‌دار از دوستی  
 یک بچه آدم و یک بچه مگس  
 پُر از سطل آشغال‌های بوگندو و غذاهای  
 قهوه‌ای چسب‌چسبی  
 پُر از مگس و سر مگس  
 ویز و ویز و ویز زرزرز!!!

